



## چرا پیامبر(ص) دست دخترش، فاطمه زهرا(س) را می‌بوسید؟

حضرت زهرا (س) در سنین 6-7 سالگی بودند اختلاف وجود دارد چون در تاریخ ولادت آن حضرت، روایات مختلف است که قضیه شعب ابی‌طالب پیش آمد...

حضرت زهرا (س) در سنین 6-7 سالگی بودند اختلاف وجود دارد چون در تاریخ ولادت آن حضرت، روایات مختلف است که قضیه شعب ابی‌طالب پیش آمد، شعب ابی‌طالب و شعب ابی‌طالب دوران بسیار سختی در تاریخ صدر اسلام است؛ یعنی دعوت پیامبر شروع شده بود، دعوت را علنی کرده بود، به تدریج مردم مکه به خصوص جوانان به خصوص برده‌ها و بی‌چاره‌ها به حضرت می‌گرویدند و بزرگان طاغوت مثل همان ابولهب و دیگران دیدند که هیچ چاره‌ای ندارند جز اینکه پیامبر و همه مجموعه دور و برش را از مکه اخراج کنند همین کار را هم کردند تعداد زیادی از این‌ها را که ده‌ها خانوار می‌شدند و شامل پیامبر و خویشاوندان پیامبر و خود ابی‌طالب با اینکه ابی‌طالب هم جزو بزرگان بود و بچه و بزرگ و کوچک می‌شدند همه را از مکه بیرون کردند.

این‌ها از مکه بیرون رفتند اما کجا بروند؟ تصادفاً جناب ابی‌طالب، در گوشه‌ای از نزدیکی مکه، فرضاً چند کیلومتری مکه در شکاف کوهی ملکی داشت، اسمش شعب ابی‌طالب بود شعب یعنی همان شکاف کوه؛ یک دره کوچک، ما مشهدی‌ها به چنین جایی «بازه» می‌گویم اتفاقاً این از آن لغت‌های صحیح دقیق فارسی سره هم هست که به لهجه محلی، روستایی‌ها به آن «بزه» می‌گویند اما همان اصلش بازه است. جناب ابی‌طالب یک بازه یا یک شعب داشت، گفتند به آنجا برویم.

حالا شما فکرش را بکنید! در مکه، روزها هوا گرم و شب‌ها بی‌نهایت سرد بود؛ یعنی وضعیتی غیرقابل تحمل، این‌ها سه سال در این بیابان‌ها زندگی کردند چقدر گرسنگی کشیدند چقدر سختی کشیدند، چقدر محنت بردند، خدا می‌داند، یکی از دوره‌های سخت پیامبر، آنجا بود، پیامبر اکرم در این دوران، مسئولیتش فقط مسئولیت رهبری به معنای اداره یک جمعیت نبود، باید می‌توانست از کار خودش پیش این‌ها که دچار محنت شده‌اند، دفاع کند.

حضرت فاطمه(س) زنان مؤمن و امیرالمؤمنین(ع) مردان را در قیامت به بهشت فرامی‌خواند

می‌دانید وقتی که اوضاع خوب است، کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده‌اند، همه از اوضاع راضی‌اند، می‌گویند خدا پدرش را پیامرزد، ما را به این وضع خوب آورد، وقتی سختی پیدا می‌کند همه دچار تردید می‌شوند. می‌گویند ایشان ما را آورد؛ ما که نمی‌خواستیم به این وضع دچار شویم البته ایمان‌های قوی می‌ایستند، اما بالاخره همه سختی‌ها به دوش پیامبر فشار می‌آورد.

در همین اثنا وقتی که نهایت شدت روحی برای پیامبر بود جناب ابی‌طالب که پشتیبان پیامبر و امید او محسوب می‌شد و خدیجه کبری که او هم بزرگ‌ترین کمک روحی برای پیامبر به شمار می‌رفت، در ظرف یک هفته از دنیا رفتند! حادثه خیلی عجیبی است؛ یعنی پیامبر تنها شد.

من نمی‌دانم شما هیچ وقت رئیس یک مجموعه کاری بوده‌اید تا بدانید معنای مسئولیت یک مجموعه چیست؟! در چنین شرایطی، انسان واقعاً بی‌چاره می‌شود. در این شرایط نقش فاطمه زهرا (س) را ببینید آدم تاریخ را که نگاه می‌کند اینگونه موارد را در گوشه کنارها هم باید پیدا کند، متأسفانه هیچ فصلی برای این طور چیزها باز نکرده‌اند، فاطمه زهرا (س) مثل یک مادر، مثل یک مشاور، مثل یک پرستار برای پیامبر بوده است. آنجا بوده که گفتند فاطمه ام‌اینها، مادر پدرش است این مربوط به آن وقت است؛ یعنی وقتی که یک دختر 6-7 ساله این گونه بوده است البته در محیط‌های عربی و در محیط‌های گرم، دختران زودتر رشد جسمی و روحی می‌کنند مثلاً به اندازه رشد یک دختر ده، دوازده ساله امروز این احساس مسئولیت است آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد که نسبت به مسائل پیرامونی خودش زود احساس مسئولیت و احساس نشاط کند؟ آن سرمایه عظیم نشاطی را که در وجود اوست خرج کند، برای اینکه غبار کدورت و غم را از چهره پدری که

مثلاً حدود 50 سال از سنش می‌گذرد و تقریباً پیرمردی شده است پاک کند. آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد؟ این خیلی مهم است.

آن وقت در چنین دنیایی، پیامبر اکرم دختری تربیت می‌کند که این دختر، شایستگی آن را پیدا می‌کند که پیامبر خدا بیاید دست او را بوسد! بوسه بر دست فاطمه زهرا از طرف پیامبر را، هرگز نباید حمل بر یک معنای عاطفی کرد این خیلی غلط و خیلی حقیر است اگر ما خیال کنیم که چون دخترش بود و دوستش می‌داشت، دستش را می‌بوسید مگر شخصیتی به آن ارجمندی، آن هم با آن عدل و حکمتی که در پیامبر هست و اتکایش به وحی و الهام الهی است خم می‌شود و دست دخترش را می‌بوسد؟ نه، این یک چیز دیگر و یک معنای دیگری است این حاکی است که این دختر جوان، این زنی که وقتی از دنیا رفته، بین هجده سال تا بیست و پنج سال سن داشته، هجده سال هم گفته‌اند اصلاً در اوج ملکوت انسانی قرار داشته و یک شخص فوق‌العاده بوده است. این نگرش اسلام به زن است.

اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمه زهرا به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زن جوانی است اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است.

کسی است که رسول اکرم به امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «یا علی انت امام امتی و خلیفتی علیها بعدی و انت قائد المؤمنین الی الجنة و کأنی انظر الی ابنتی فاطمه قد اقبلت یوم القیامه علی نجیب من نور عن یمینها سبعون الف ملک و عن یسارها سبعون الف ملک و بین یدیها سبعون الف ملک و خلفها سبعون الف ملک تقود مومنات امتی الی الجنة»؛ یعنی در روز قیامت امیرالمؤمنین مردان مؤمن را و فاطمه زهرا زنان مؤمن را به بهشت الهی راهنمایی می‌کنند، او عدل و هم‌پایه و هم‌سنگ امیرالمؤمنین است. آن کسی که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد هزاران فرشته مقرب خدا، به او خطاب و سلام می‌کردند و تهنیت می‌گفتند و همان سخنی را بیان می‌کردند که فرشتگان قبلاً به مریم اطهر گفته بودند عرض می‌کردند: «یا فاطمه ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین»؛ این مقام معنوی فاطمه زهراست.

زنی آن هم در سنین جوانی از لحاظ معنوی به جایی می‌رسد که بنا بر آنچه که در بعضی از روایات است فرشتگان با او سخن می‌گویند و حقایق را به او ارائه می‌دهند؛ «محدثه» است یعنی کسی است که فرشتگان با او حدیث می‌کنند و حرف می‌زنند این مقام معنوی و میدان وسیع و قله رفیع، در مقابل همه زن‌ها آفرینش و عالم است فاطمه زهرا در قله این بلندای عظیم ایستاده و به همه زنان عالم خطاب می‌کند و آنها را به پیمودن این راه دعوت می‌کند.